

## تحلیل سیاسی هفته (۵۵) ناآرامی‌های اخیر عراق و پیامدهای ناگوار آن برای منطقه

### مقدمه

در روزهای اخیر استان الانبار عراق عرصه اوج‌گیری خشونت‌ها و درگیری‌های خونین بین نیروهای وابسته به القاعده و داعش (دولت اسلامی عراق و شام) از یکسو و ارتش عراق و عشایر داخلی از سوی دیگر، بوده است. اقدامات اخیر تروریست‌های وابسته به القاعده فراتر از بمبگذاری و عملیات انتحاری است به گونه‌ای که گروه داعش کنترل برخی از مناطق دو شهر مهم استان الانبار یعنی رمادی و فلوجه را در اختیار گرفته بود. این تحركات تروریستی به اختلافات سیاسی میان گروه‌ها و احزاب سنی و شیعه در ساختار حکومتی عراق دامن زده است.

### موقعیت راهبردی استان الانبار

استان الانبار از موقعیت جغرافیایی و راهبردی مهمی برخوردار است. این استان با سه کشور سوریه، اردن و عربستان هم‌مرز و پهناورترین استان عراق است که در غرب این کشور واقع شده و جمعیتی سنی‌نشین (بالغ بر ۹۵ درصد) دارد. الرمادی مرکز استان الانبار و فلوجه دومین شهر پرجمعیت آن به شمار می‌رود. آمار دقیقی از جمعیت این استان وجود ندارد، اما بیشتر آمار رسمی ارائه شده رقمی نزدیک به یکونیم میلیون نفر را تخمین زده‌اند. الانبار یکی از مهمترین مناطق و پایگاه‌های صدام حسین و حزب بعث به شمار می‌رفت، زیرا ساکنین آن هم سنی و هم عرب هستند. از این رو، استان مذکور کانون مقاومت در برابر سقوط نظم سیاسی بعثی و شکل‌گیری سامان سیاسی جدید در عراق در مواجهه با آمریکایی‌ها بوده است. الانبار تا مدت‌ها تقریباً مکانی بکر و امن برای باقیمانده‌های حزب بعث و نیروهای امنیتی - اطلاعاتی رژیم سابق بود زیرا به لحاظ مجاورت با کشورهای عربستان سعودی، اردن و سوریه، دالان مناسبی برای انتقال پول و مهمات نظامی محسوب می‌شود.

### اهداف داعش از اقدامات تروریستی اخیر

هدف راهبردی گروه داعش انضمام بخش‌های غربی عراق به بخش‌های شرقی سوریه است. از آنجا که اکثریت ساکنین این منطقه از اهل سنت هستند، گروه مزبور با توسل به حربه احیای خلافت، به دنبال تشکیل کشوری مصنوعی برای حکومت است. در این راستا، گروه تروریستی داعش در تلاش است تا با بهره‌گیری از شکاف‌های موجود میان سنی‌ها و شیعیان عراق مخصوصاً نارضایتی قبایل سنی‌نشین استان الانبار به اهداف افراطی خویش جامه عمل بپوشاند. در واقع داعش و سایر گروه‌های تکفیری مرتبط با القاعده به دنبال نوعی ائتلاف با مردم معترض الانبار هستند تا از طریق دامن زدن به اختلافات سیاسی، روابط دولت نوری المالکی با طوایف و احزاب سنی عراق را تخریب کنند. در واقع، ناآرامی‌های موجود نتیجه ائتلاف میان بعثی‌های عراق با گروه تروریستی داعش برای تضعیف دولت مالکی و نهایتاً بازپس‌گیری حاکمیت انحصاری سنی‌ها در عراق است. اما بعید است

که داعش و بعثی‌های سابق، بتوانند نظر مساعد همین اقلیت سنی را جلب کنند، زیرا مردم عراق به دنبال آرامش و ثبات هستند. شیعیان و کردهای این کشور هنوز نسل‌کشی بعثی‌ها را در اذهان دارند. در این میان، نقش کردها به عنوان اقلیتی منفک از اکثریت عرب‌تبار کشور حیاتی است. کردهای عراق با آگاهی از ماهیت افراطی گروه‌های تکفیری و سلفی، به ویژه اقدامات شنیع آنها در مناطق کردنشین سوریه، در کنار دولت مالکی قرار گرفتند به طوری که مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان عراق، داعش را خطری برای همه کشورهای منطقه دانست.

### نقش بازیگران منطقه‌ای

یکی از دلایل عمده افزایش درگیری‌های اخیر در عراق، نگاه برخی از بازیگران منطقه‌ای از جمله عربستان، قطر و ترکیه به این کشور در چارچوب ماتریس توازن قدرت در خاورمیانه است. در حالی که کشورهای مذکور مخصوصاً عربستان و ترکیه خود مشکلات حقوق بشری زیادی مخصوصاً در حوزه اقلیت‌ها دارند، با تحریک و حمایت‌های مالی و تجهیزاتی جریان تکفیری وابسته به القاعده، درصدد اعمال فشار بر دولت نوری المالکی هستند که روابط حسنه‌ای با جمهوری اسلامی ایران دارد. ترکیه وجود یک عراق قدرتمند و منسجم را مانعی در برابر خود می‌بیند و عربستان اساساً از تبدیل شدن عراق به‌عنوان الگویی برای دموکراسی در میان جهان عرب واهمه دارد. ترکیه، عربستان و قطر به واسطه روابط حسنه میان جمهوری اسلامی ایران و عراق، تضعیف دولت شیعی این کشور را اقدامی در جهت تحدید قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌دانند و از آنجا که خودشان را رقبای کشورمان و در مدار قدرت‌های غربی تصور می‌کنند، استحکام محور منطقه‌گرا و بومی ایران - عراق - سوریه - حزب‌ا... را بر نمی‌تابند. در این میان اختلافات دولت مرکزی عراق و حکومت اقلیم کردستان نیز باعث به وجود آمدن شکاف قابل توجهی در داخل عراق گردیده که راه را برای اعمال فشار بیشتر از سوی دولت‌هایی همچون ترکیه بر روی دولت مرکزی عراق باز گذاشته است. با این حال، حامی اصلی گروه‌های تروریستی داعش و النصره عربستان سعودی است که پس از قبول دو شکست اساسی در سال گذشته میلادی (عدم مداخله نظامی آمریکا در سوریه و امضای توافقنامه ژنو میان ایران و گروه ۵+۱) به نوعی دست به انتحار سیاسی زده است. به‌گونه‌ای که همکاری‌های پنهانی و اطلاعاتی خویش با رژیم صهیونیستی را علنی کرده و به‌طور آشکارا از گروه‌های تروریستی در لبنان، سوریه و عراق حمایت می‌کند. بنابراین شکاف و عدم انسجام داخلی بین بلوک‌های قدرت در عراق در کنار دامن زدن برخی کشورهای منطقه به اختلافات موجود، از جمله دلایل عمده ناآرامی‌های اخیر در عراق به شمار می‌رود.

### نقش بازیگران فرامنطقه‌ای

در آستانه کنفرانس ژنو ۲، گروه‌های مخالف دولت سوریه تلاش‌های خود را بیشتر کرده‌اند تا بر وسعت مناطق اشغالی خویش بیافزایند تا در صورت شرکت یا تحریم کنفرانس، بر نتایج آن تأثیر بگذارند. از این‌رو، درگیری‌ها میان این گروه‌های تروریستی و همچنین بین آنها و دولت اسد تشدید شده است. کشورهای حامی این گروه‌ها نیز که در صحنه عملیات نتوانستند به مطامع خویش دست یابند، به دنبال بهره‌گیری از وزن سیاسی آنها در عرصه مذاکرات می‌باشند. در این راستا، برخلاف عربستان سعودی که از گروه‌های سلفی و تکفیری همچون داعش و النصره حمایت می‌کند، اما آمریکا و سایر کشورهای غربی پشتیبان ارتش آزاد سوریه هستند.

واشنگتن در یک اقدام منفعلانه و پس از اوج‌گیری خشونت‌ها، با صدور بیانیه‌ای حمایت خویش از عملیات نیروهای امنیتی عراق علیه داعش و القاعده حمایت کرد و خواستار همکاری همه کشورهای همسایه عراق برای مقابله با تهدید تروریسم منطقه‌ای شد. به نظر می‌رسد که دمکرات‌های کاخ سفید در مدیریت منازعات منطقه‌ای دچار نوعی تناقض و سردرگمی شده‌اند. موضع انفعالی دمکرات‌ها در جریان ناآرامی‌های اخیر فرصت مناسبی در اختیار جمهوریخواهان رقیب داد تا انتقادات تندی از سیاست‌های دولت اوباما در خاورمیانه داشته باشند. در طرف دیگر، برخی از تحلیلگران بر این باور هستند که واکنش‌های تأخیری آمریکا آگاهانه بوده تا با تشدید بی‌ثباتی‌ها در عراق، حضور نیروهای خویش در عراق و منطقه را توجیه کند. روسیه نیز که در روزهای اخیر هدف حملات تروریستی بوده است، دومین محموله بالگردهای روسی را به دولت عراق تحویل داد تا در مبارزه علیه گروه‌های تروریستی داعش و القاعده مورد استفاده قرار گیرند. اولین محموله این بالگردها که توانایی نبرد در شب و روز را دارند، چندی پیش در اختیار دولت مرکزی عراق قرار گرفته بود. خلبانان و تکنسین‌های این بالگردها، دوره آموزشی خود را پاییز امسال در روسیه به اتمام رسانده‌اند.

### نتیجه‌گیری

گسترش ناآرامی‌های اخیر عواقب ناخوشایندی برای عراق دارد، یکی از پیامدهای آن کاهش قدرت دولت مرکزی عراق است، این مسئله با تضعیف حکومت مرکزی بغداد، موضع آن را در معادلات منطقه‌ای تضعیف خواهد کرد. در وهله بعد این کاهش قدرت منجر به واگرایی بیشتر میان بغداد - سلیمانیه خواهد شد که انسجام سیاسی در عراق را به شدت خدشه‌دار می‌کند. افزایش واگرایی میان دولت مرکزی و حکومت اقلیم کردستان، دخالت‌های کشورهای منطقه از جمله ترکیه و عربستان در امور داخلی عراق را بیشتر از قبل خواهد کرد. افزایش خشونت‌ها، عراق را وارد فضایی خواهد کرد که توسعه، پیشرفت و نوسازی جای خود را به تخریب منابع و زیرساخت‌ها، آوارگی بسیاری از خانواده‌های عراقی و هرج و مرج می‌دهد.

علاوه بر عراق، تداوم و تشدید اقدامات تروریستی، پیامدهای ناگواری برای منطقه و کشورهای حامی آنها در پی خواهد داشت. ماهیت احزاب و گروه‌های تکفیری و تروریستی به‌گونه‌ای نیست که قابل کنترل و مدیریت باشند و آتشی که برخی از کشورهای منطقه برافروختند نهایتاً دامن خودشان را خواهد گرفت. انفعال بازیگران بین‌المللی از جمله آمریکا ناشی از سردرگمی و تعارض جدی است. برای آمریکایی‌هایی که سال‌ها در افغانستان، پاکستان و عراق با القاعده و گروهک‌های منتسب به آن جنگیده‌اند، دشوار است که مدافع گروه‌های تکفیری نظیر داعش و النصره باشند. از سوی دیگر، واشنگتن روابط مطلوبی با دولت نوری المالکی دارد و به نظر می‌رسد که سقوط برخی از شهرهای عراق و افتادن کنترل آنها به دست القاعده نهایتاً منجر به تغییر نگرش آمریکا نسبت به تحولات سوریه شده و برآیند آن برای دولت سوریه مثبت خواهد بود. زیرا از طرح‌های کلان و اشتباهی سیری‌ناپذیر گروه‌های تندرو در منطقه رمزگشایی کرده و دولت آمریکا را متوجه بازی خطرناک متحدین خویش در منطقه می‌کند.

### راهکارهای پیشنهادی

در مقطع کنونی، استفاده از تمام ظرفیت‌ها و کانال‌ها برای گفتگوی مؤثر با سنی‌ها توسط دولت عراق ضروری است. یکی از روش‌های کارآمد در جوامع پسمنازعه استفاده از ظرفیت گروه‌های مرجع اجتماعی است که می‌توانند با نفوذ سنتی خود راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات را عملیاتی کنند. در جامعه عراق رؤسای قومی و قبیله‌ای و علمای مذهبی می‌توانند

این نقش را به خوبی ایفا نمایند. خشونت‌های فرقه‌ای در عراق عمدتاً از سال ۲۰۰۶ به بعد نضج گرفت و تصمیم آمریکایی‌ها برای افزایش نیرو - همچون طرح سال ۲۰۰۷ بوش مبنی بر اضافه کردن ۳۰۰۰۰ نیروی جدید - نیز نه تنها کارگشا نبود، بلکه برعکس موجب افزایش جبهه‌گیری گروه‌های تندروی القاعده عراق شد. لذا استفاده از گروه‌های مرجع اجتماعی در جامعه سنتی عراق راهکاری کارآمدتر خواهد بود، در روزهای اخیر نیز به دستور سران قبایل استان الانبار عده‌ای از عشایر دوشادوش ارتش عراق با نیروهای القاعده جنگیدند که تحولی مثبت برای پیشبرد مصالحه در عراق است. استفاده از شخصیت‌های سنی‌مذهب همچون احمد ابوریثا که از سران قبایل الانبار است و سابقه همکاری با دولت عراق در اقدام علیه القاعده را نیز دارد می‌تواند در مدیریت بحران کمک بسیار زیادی به دولت عراق نماید.

یکی دیگر از راهکارها، تشکیل کمیته ملی بحران متشکل از نخبگان همه گروه‌ها، اقوام و شخصیت‌های معتدل است که هر یک از قوای سه‌گانه نظام سیاسی عراق در آن نماینده داشته باشد. اقدام اخیر ۴۴ نماینده مجلس و بخشی از وزرای کابینه مالکی، عراق را به سمت افزایش شکاف‌ها و قطب‌بندی‌ها سوق می‌دهد. فارغ از اهداف سوء خارجی، دولت عراق می‌توانست با کاستن از نگاه امنیتی به مسائل غرب این کشور و اتخاذ سیاست جامع‌تر بخش زیادی از زمینه‌های حوادث اخیر را از بین ببرد.

در سطح منطقه‌ای، باید ائتلافی از کشورها و بازیگران مخالف تروریسم فرقه‌ای سازماندهی شود تا دولت نوری المالکی را در مقابله با تروریست‌ها یاری دهد. در این چارچوب، استفاده از مساعدت‌ها و ظرفیت‌های کشورهای همجوار نظیر جمهوری اسلامی ایران که به واسطه اشتراکات مختلف با ملت عراق، وحدت و آرامش عراق را با اهمیت می‌دانند، می‌تواند گره‌گشا باشد. همچنین بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله سازمان کنفرانس اسلامی و مجمع عمومی سازمان ملل جهت اعمال فشار بر حامیان تروریسم در جلوگیری از تشدید خشونت‌ها مؤثر خواهد بود.